

# حدیث «علی مع الحق» از عبقات الأنوار

## تصحیح و تحقیق یا تصحیف و تحریف

مرتضی علی زاده نجار

| ۲۸۳ - ۳۱۴ |

۲۸۳

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چکیده: حدیث «علی مع الحق» از موسوعة عبقات الأنوار، بخش مخطوط و تکمیل نشده‌ای است که در سال‌های اخیر در دسترس پژوهشگران قرار گرفت. این بخش مجموعه‌ای از فیش‌های نامدون و سیاهه‌هایی است که بیشتر توسط کاتبانی ناآشنا با واژگان و اصطلاحات به رشته تحریر درآمده است؛ از این رو متنی درهم‌ریخته و پرغلط از این اثر برجای مانده است. به تازگی پاره‌ای از این سیاهه که از نظم و پیوستگی بهتری برخوردار است، توسط مؤسسه‌ای در قم گزینش شده و با طمطراق «تصحیح، تحقیق و تعلیق» و با وصف «تحقیق علمی کم‌نظیر» چاپ و روانه بازار شده است؛ ولی بررسی این اثر نشان می‌دهد که متن چاپی نه تنها گزینشی، بلکه دچار تحریف و تصحیف و ناهنجاری در خوانش نسخه است و شرط امانت‌داری در ارائه نسخه به شدت مورد تسامح قرار گرفته است. افزون بر آنکه سهل‌انگاری در مقابله و ویرایش، لغزش‌های تاپیی، شتابزدگی در چاپ، به این اثر فاخر آسیب رسانده و محتوای آن را سست نموده است. بازبینی این تصحیح ناقص و پراشتباه اعتماد به متن چاپی را سلب نموده، و ضرورت تصحیحی دیگر را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: میرحامد حسین، عبقات الأنوار، «علی مع الحق»، تصحیح، تحریف.

The Hadith 'Ali Ma'a al-Ḥaqq in 'Abqāt al-Anwār:  
Correction and Verification or Distortion and Corruption?  
Mortaza Alizade Najjar

**Abstract:** The hadith 'Ali Ma'a al-Ḥaqq in the encyclopedic work 'Abqāt al-Anwār belongs to an unfinished manuscript section that has only recently become available to researchers. This section consists of unorganized notes and scattered records, primarily transcribed by scribes unfamiliar with the terminology, resulting in a disordered and error-ridden text.

Recently, a portion of these records, which exhibit better coherence, was selected by an institution in Qom and published under the grand title of "Correction, Research, and Commentary," being praised as "an exceptional scientific study." However, an examination of this work reveals that the printed text is not only selectively edited but also suffers from distortions, transcription errors, and irregularities in the reading of the manuscript. The principle of scholarly fidelity in presenting the text has been severely compromised. Additionally, negligence in collation and editing, typographical mistakes, and a rushed publication process have undermined the integrity of this distinguished work, rendering its content unreliable. A critical review of this flawed and error-laden edition calls into question the credibility of the printed version and highlights the urgent need for a more rigorous scholarly edition.

**Keywords:** Mir Ḥamid Ḥusayn, 'Abqāt al-Anwār, 'Ali Ma'a al-Ḥaqq, textual correction, distortion.



## پیش درآمد

بایستگی حراست و پاسداری از میراث علمی پیشینیان، ضرورتی انکارناپذیر است؛ به ویژه آثاری که پیوستگی مستقیم با هویت دینی و مذهبی یا فرهنگی دارد. بی درنگ تصحیح و احیای آثار مکتوب یکی از راه‌های حراست از این میراث است که مصحح می‌کوشد با بهره‌گیری از متدهای درون‌متنی و برون‌متنی، همراه با مهارت لازم در خوانش نسخه، متنی پاکیزه از اثر را گزارش نماید و به ماندگاری آن کمک کند. یکی از سرمایه‌های ارزشمند اسلامی که سال‌ها در پستوی غربت قرار داشت و احیای آن خدمتی شایسته به اسلام و کمکی برای حفظ میراث تشیع به شمار می‌رود، تصحیح کتاب شریف عبقات الأنوار فی امامة أئمة الأطهار اثر فاخر علامه مجاهد میرحامد حسین لکهنوی هندی است. این اثر را می‌توان بزرگ‌ترین موسوعه امامت دانست که در رد باب هفتم از کتاب تحفه اثناعشریه اثر عبدالعزیز دهلوی در دیار هندوستان نگاشته شده است. تقریظات گسترده<sup>۱</sup> و ستایش‌های پرمایه به خوبی از حشمت و شکوه کتاب عبقات و مؤلف آن پرده برمی‌دارد؛ چنان‌که برخی بزرگان شیعه این اثر را بی‌نظیر دانسته‌اند که از صدر اسلام تاکنون مانند آن نگاشته نشده است<sup>۲</sup> یا برخی دیگر آن را معجزه‌ای روشنگر خوانده‌اند.<sup>۳</sup> عبقات الأنوار ثمره سال‌ها مجاهدت خالصانه‌ای است که با سوز جگر و استقرائی طاقت‌شکن در آثار و منابع حدیثی، کلامی، ادبی، تاریخی، رجالی، عرفانی، فقهی، اصولی و... نگاشته شده است و با نثری مسجع و ادبیاتی دلچسب، انگشت حیرت بر دهان همگان نهاد و سندی محکم در اندیشه امامت اهل بیت (ع) به عنوان میراثی گران بها از پیامبر عرضه می‌کند.

پاره‌ای از مجلدات عبقات مانند «حدیث غدیر»، «حدیث منزلت»، «حدیث تشبیه»، «حدیث نور» و «حدیث ولایت» در زمان حیات مؤلف و زیر نظر وی با چاپ سنگی منتشر شد و پاره‌ای دیگر همچون «حدیث طیر»، «حدیث ثقلین» و «حدیث مدینه علم»

۱. برای نمونه نگاه کنید به: سواطع الأنوار فی تقریظات عبقات الأنوار اثر راحت حسین.

پیش‌تر این اثر در سال ۱۹۰۵ میلادی در مطلع الأنوار لکهنو به زیور طبع آراسته شد و به زودی متن کامل و مصحح آن در کنگره علامه میرحامد حسین رونمایی خواهد شد.

۲. برای نمونه نگاه کنید به: سید محسن امین عاملی، أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۳۸۱؛ آقابزرگ تهرانی، طبقات أعلام الشيعة، ج ۱۳، ص ۳۴۸ و منابع دیگر.

۳. عبدالحسین امینی، الغدير، ج ۱، ص ۳۲۲.

بعدها از سوی فرزندان ایشان تکمیل و به زیور طبع آراسته گشته است. شوربختانه نگارش این اثر سترگ در زمان مؤلف پایان نیافت و تشنه کامان معارف اهل بیت (ع) را در حسرت دائمی گذاشت؛ به گونه‌ای که پاره‌ای از مجلدات آن تنها در مجموعه مخطوطات و یادداشت‌های مؤلف باقی ماند و چه بسا در گذر زمان آسیب دید. منهج اول (نقد شش عقیده اهل سنت در امامت و نقد شبهات دهلوی در آیات امامت امیرالمؤمنین علیه السلام) و نیز بخشی از منهج دوم (نقد دیدگاه‌های دهلوی در احادیث امامت) مانند حدیث «علی مع الحق»، حدیث «رایت» و... از این قبیل است.

تصحیح و احیای مجموعه عبقات آرزویی دیرینه بود که افراد و گروه‌های زیادی در سر می‌پروراندند، هرچند برخی دلسوزان کوشیدند با چاپ افسست این اثر را نگهداری کنند،<sup>۱</sup> برخی نیز با حروف چینی و چاپ برخی مجلدات در صیانت از آن کوشیدند؛<sup>۲</sup> اما احیای دقیق و تصحیح روشمند با استفاده از متدهای جدید و تخریج مصادر گسترده آن - با توجه به دلایلی که خواهد آمد - کار ساده‌ای نبود، بلکه همتی بلند و دقتی عمیق می‌طلبید؛ از این رو همواره تلاش‌های کوششگران در این عرصه ناکام ماند تا اینکه در سال‌های اخیر طرح کنگره علامه میرحامد حسین هندی از سوی برخی استادان حوزه علمیه قم مطرح شد و دبیرخانه آن در بنیاد بین‌المللی امامت این آرزوی دیرینه را دنبال نمود و تصحیح این اثر را در دستور کار قرار داد. اما روشن بود که استعجال غیر منطقی در تصحیح چنین اثری بزرگ با ابعادی گسترده روا نبود؛ زیرا گستره اثر، تنوع مصادر، فهم ادبیات منحصر به فرد آن و همچنین دسترسی نداشتن به بسیاری از مصادر مخطوط یا چاپ سنگی و نیز پرغلط بودن پاره‌ای از آنها بخشی از سختی کار بود. بی‌گمان نشر منسجم و یکپارچه که بتواند حق بزرگ این کتاب را به خوبی ادا کند نیز ضرورتی دیگر بود. از همه مهم‌تر سیاق خوانی و تصحیح برخی سیاهه‌های عبقات مهارتی دوچندان می‌طلبید تا اصل امانت‌داری در گزارش و انتساب درست محتوا به نویسنده و نیز ویرایش صحیح و قابل فهم برای مخاطبان با اهتمام بیشتری رعایت شود.

۱. پاره‌ای از مجلدات عبقات توسط مدرسه امام مهدی (عج) قم در سال‌های ۱۴۰۵-۱۴۰۶ قمری افست شده است.  
۲. چنان‌که مجلد «حدیث غدیر» توسط غلام‌رضا مولانا بروجردی در ۱۰ جلد در خلال سال‌های ۱۴۰۴-۱۴۱۱ قمری در قم و مجلد «حدیث ثقلین» از سوی مؤسسه نشر نفائس اصفهان حروفچینی و در سال ۱۳۷۸-۱۳۷۹ قمری به زیور طبع آراسته گشت.

در این میان پاره‌ای از فیش‌ها و دست‌نوشته‌های مجلد حدیث «علي مع الحق» پیش‌تر توسط کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی عکس‌برداری شد و پاره‌ای دیگر هنوز دست‌نیافته مانده بود و انتظار تکمیل نسخه‌ها زمانی مضاعف می‌طلبید؛ تا اینکه به همت دبیرخانه کنگره علامه میرحامد حسین پاره‌ای دیگر نیز کشف شد و در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. شایان ذکر است این دست‌نوشته‌ها افزون بر خطاها و لغزش‌های املایی کاتبان، در اوراقی پراکنده و درهم‌ریخته قرار داشت که نیازمند تدوین و تنظیم بود شوربختانه رفتار عجولانه برخی مؤسسات در احیا و انتشار این مجلد، آسیبی دیگر بر پیکره این اثر وارد کرد و به جای عرضه متنی صحیح، کامل و مدون، اثری پرغلط و ناقص با تحریفی گسترده منتشر شد. متنی که نه درخور شأن کتاب عبقات بود و نه با مقام علمی والای مؤلف آن سازگار بود. از این رو نقدی بر تصحیح منتشرشده و لاجرم احیای مجدد این مجلد برای پاسبانی از میراث عبقات ضروری به نظر رسید.

پیش از بیان نمونه‌هایی از آسیب‌ها، یادآوری نکات زیر ضروری است:

۱. نخستین و مهم‌ترین رسالت تصحیح، ارائه متنی صحیح از مؤلف است؛ یعنی غرض و قلم مؤلف بدون هرگونه کم و کاست به خواننده عرضه شود، هرچند برخی عبارات یا استدلال‌ها با سلیقه مصحح سازگار نباشد. به عبارت دیگر مصحح می‌کوشد متن اساس را به درستی عرضه کند و چنانچه خطا، سهو یا نقصی در قلم مؤلف یا کاتب وجود داشت، آن را اصلاح نماید و با علامت‌گذاری و توضیحاتی در پانویس مراد وی را تبیین کند؛ از این رو دخالت در متن یا تحریف قلم نویسنده و هرگونه حذف و اضافه نامشخص و غیرضرور، خارج از شأن تصحیح و خلاف امانت‌داری است؛ چراکه اغراض مؤلف به طور کامل در دسترس مصحح نیست. بی‌گمان مصحح در مواردی به دلیل افتادگی، نقصان، مخدوش شدن نسخه یا اشتباه در کتابت، ناگزیر به تصرف در متن است؛ ولی افزودگی و حذفیات تصحیح باید با علامت مشخص شود یا در پانویس به آن تذکر داده شود. گفتنی است در مقدمه تصحیح چاپی نیز به این نکته تصریح شده است: «بخش دلالت حدیث علي مع الحق بر اساس مسوّدۀ تازه یافت شده از علامه میرحامد حسین رحمة الله عليه بدون هیچ‌زیادی در متن آن، تحقیق و تصحیح شد».<sup>۱</sup> در تقریظ این اثر

۱. ص ۳۷ (مقدمه تحقیق).

نیز آمده است: «با تحقیق علمی کم نظیر توسط ... منتشر شود»<sup>۱</sup> که این ادعاها در تصحیح چاپی نیازمند راستی آزمایی است.

۲. سهو و خطا امری طبیعی است و هیچ کار بشری را نمی توان یافت که خالی از اشتباه باشد؛ از این رو هر چند متنی در مقام تصحیح باشد، ممکن است خود نیز دچار سهو و خطا باشد و چه بسا لغزش هایی در تایپ یا املا یا واژگان یا ثبت علامت ها رخ دهد و این اتفاق چیزی از ارزش کار تصحیحی کم نمی کند؛ ولی تحریف و تصحیف و لغزش های گسترده در نسخه خوانی و مقابله ای که سبب تغییر و تخلیط و تغلیط متن گردد در متن چاپی هرگز سزاوار نیست؛ چنان که در مقدمه تحقیق نیز تصریح شده است: «متن نقل ها با مصادر منتخب به دقت مقابله شده است»<sup>۲</sup>. بنابراین در نوشتار پیش رو بیشتر به این بخش پرداخته شده و از گزارش همه لغزش های تایپی یا ویرایشی و مقابله صرف نظر شده است.

۳. بخشی از اثر چاپی مورد نظر شامل متن و سند حدیث «علي مع الحق» است که در مقدمه تحقیق ادعا شده است: «از آنجاکه این مسوده شامل مباحث سندی نبود، برای تکمیل بحث، سند حدیث علي مع الحق را بر اساس روش و منهج علامه میرحامد حسین رحمه الله علیه در دیگر احادیث تألیف کرده و به مسودات بخش دلالت اضافه کردیم»<sup>۳</sup>. هر چند پاره هایی از این بخش چاپی نیز در یادداشت های حدیث «علي مع الحق» موجود است و گویا از آن نیز بهره برداری شده است، اما در هر حال استنادی به مؤلف ندارد و تنها حدود هشتاد صفحه در بخش دلالت به ارائه متن عبقات و تصحیح آن اختصاص یافته است؛ از این رو نقد پیش رو نیز تنها به همان هشتاد صفحه کوتاه پرداخته است. البته این پرسش همچنان باقی می ماند که چرا در تصحیح چاپی، از سیاهه و احیای یادداشت ها به نام مؤلف صرف نظر شده است؟ و چرا تصحیح گزینشی انجام شده است؟ یا دست کم چرا در مقدمه اثر به آن اشاره نشده و مخاطب بی خبر از نسخه در نا آگاهی و بی خبری رها شده است؟ مخاطب چگونه باید بداند متن عرضه شده همه سیاهه های حدیث «علي مع الحق» نیست و جزئیات بیشتری از آن وجود دارد که پرده پوشی شده است؟

۱. ص ۳۰ (تقریظ آیت الله میلانی).

۲. ص ۳۸.

۳. نک به: ص ۳۶-۳۷ (مقدمه تحقیق).

۴. عوامل گوناگونی در تخریب و تحریف اثر دخیل است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: خوانش ناصحیح نسخه، حذف خودسرانه، افزودگی بدون علامت، خلط و خطا در مقابله، تغییر بدون وجه در رمزهای نسخه و ویرایش ناصواب. روشن است که جمع‌آوری تمام خطاها نه در حد مقاله‌ای کوتاه است و نه نگارنده مقاله بنا بر گردآوری همه آنها دارد؛ از این رو در هر بخش تنها چند نمونه و در مجموع هجده نمونه عنوان خورده است که برخی از نمونه‌ها بیش از یک اشکال را دربر می‌گیرد. در پایان نیز جدولی از نمونه‌های گوناگون دیگر فهرست شده است؛ همچنین گفتنی است برخی از نارسایی‌ها در عدم تقویم نص ریشه دارد، اما با توجه به اشتراک برخی عناوین ثبت‌شده با تقویم نادرست نص، از ثبت عنوان جداگانه برای تقویم نص صرف نظر شده است.

۵. در بیشتر نمونه‌های معنون از نقد حاضر ابتدا تصویر نسخه چاپی و سپس تصویر نسخه اساس مخطوط و در برخی موارد نیز تصویر مصادر عبقات برای مستندسازی و فایده بیشتر ثبت شده است.

## ۱. شناسنامه اثر

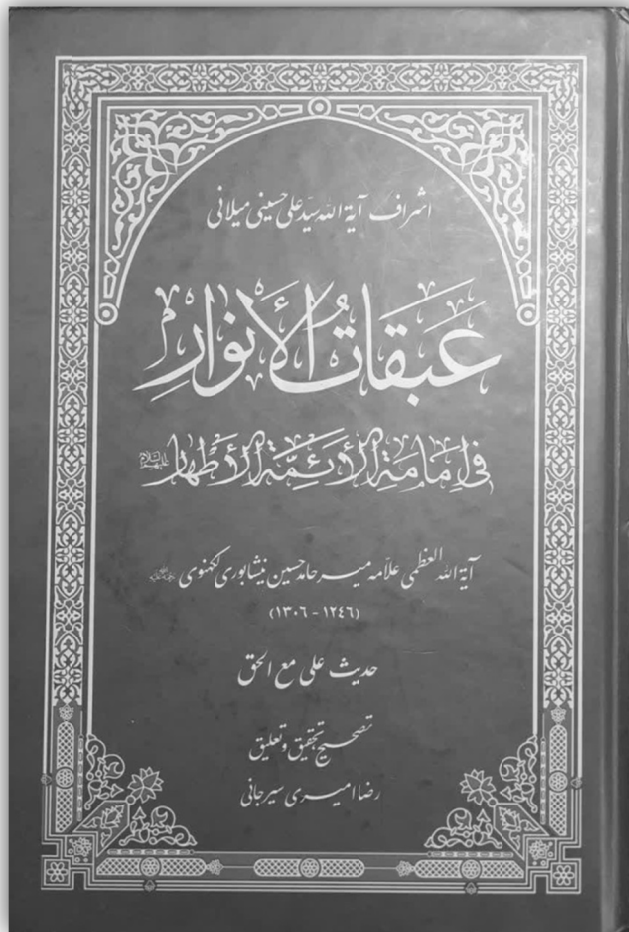
### ۱-۱. نسخه اساس

نسخه اساس مجلد حدیث «علي مع الحق» یادداشت‌ها و سیاهه‌هایی است در یک دفتر گردآوری شده است. مغشوش و آشفته بودن متن از ناآشنایی بیشتر کاتبان به اصطلاحات و واژگان علمی پرده می‌گشاید و افزون بر اشتباهات املائی، در اوراقی پراکنده و نامنظم گرد آمده است. رسم الخط قدیم و تفاوت نگارش با رسم الخط معاصر از جمله ویژگی‌های نسخه اساس است؛ برای نمونه می‌توان به مواردی همچون «حذف نشانه مد (-)»، «ثبت الف مقصوره در غیر پایه یاء مانند هرون، اسمعیل، معویه، اسحق»، و «ثبت همزه عربی در متن فارسی مانند اوصیاء کبار، خطاء اجتهادی، دعاء»، «ثبت کاف برای حرف گاف» و... اشاره کرد.

به گزارش کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی این نسخه در ۶۳۸ ورقه<sup>۱</sup> با ابعاد ۱۶ در ۱۱ سانتی‌متر و به شماره عمومی ۲۴۹۲۴ ثبت شده است. متن نسخه با عبارت «قال

۱. در مقدمه اثر چاپی، نسخه اساس ۶۳۸ صفحه به جای ۶۳۸ ورقه معرفی شده است که صحیح نیست. نک به: ص ۳۸. همچنین ناگفته نماند که شمار تصاویری که از کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی یافت شده، تنها ۶۱۲ ورقه را نشان می‌دهد.

الفاضل الناصب رحم الله علیا اللهم ادر الحق معه حیث» آغاز می شود و با عبارت «و سیأتی حدیث الخوخه لابی بکر رضی الله عنه وما یتفاد من ذلك» پایان می یابد.



۲۹۰

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

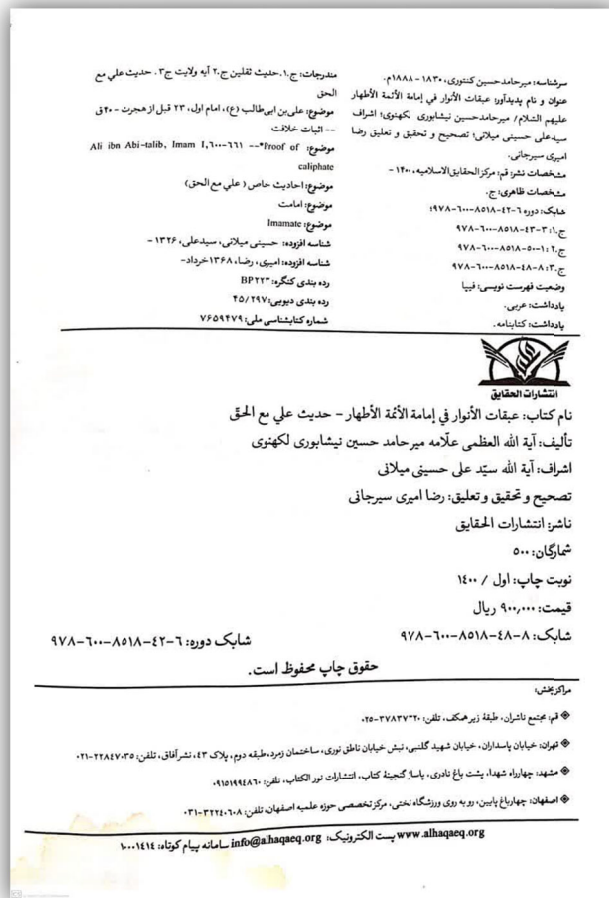
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

#### ۲-۱. نسخه چاپی

عنوان و نام پدیدآور: عبقات الأنوار فی امامة الائمة الأطهار علیهم السلام / میرحامد حسین نیشابوری لکهنوی؛ اشراف سید علی حسینی میلانی؛ تصحیح و تحقیق و تعلیق رضا امیری سیرجانی. مشخصات نشر: قم، مرکز الحقائق الاسلامیة، ۱۴۰۰. شابک



دوره: ۶-۴۲-۸۵۱۸-۶۰۰-۹۷۸؛ ج ۳: ۸-۴۸-۸۵۱۸-۶۰۰-۹۷۸. رده بندی کنگره: BP۲۲۳،  
رده بندی دیوبی: ۴۵/۲۹۷، شماره کتاب شناسی ملی: ۷۶۵۹۴۷۹.



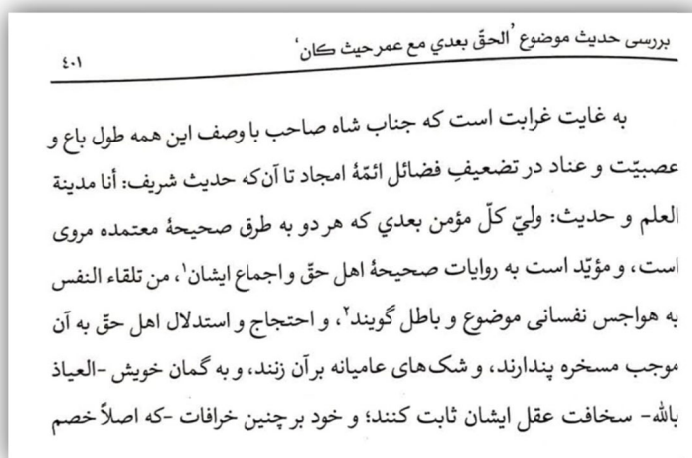
## ۲. عوامل تخریب

### ۱-۲. خوانش ناصحیح و دستبرد

خطرناک ترین تصرف در تصحیح حدیث «علی مع الحق»، تغییر واژگان یا انتقال واژگانی نامفهوم، مهمل و نادوست است که در انتقال غرض و مراد واقعی نویسنده به مخاطب اخلاص وارد می کند و از عیار اشکال یا طعن های حساب شده مؤلف نیز می کاهد. گویا ناتوانی یا نبود تجربه لازم در خوانش نسخه، مهم ترین عامل این اشتباه است. بی گمان بر

هر محقق یا مشرف یا منتشرکننده یک اثر لازم است پیش از نشر به دقت آن اثر را ارزیابی کند و متن مغلوطن را به نام مؤلف منتشر نساژند. در ادامه نمونه‌هایی از این دست‌کاری و ناهنجاری ارائه می‌شود.

نمونه ۱: «شک‌های عامیانه بر آن زند» یا «مثل‌های عامیانه برای آن زند»

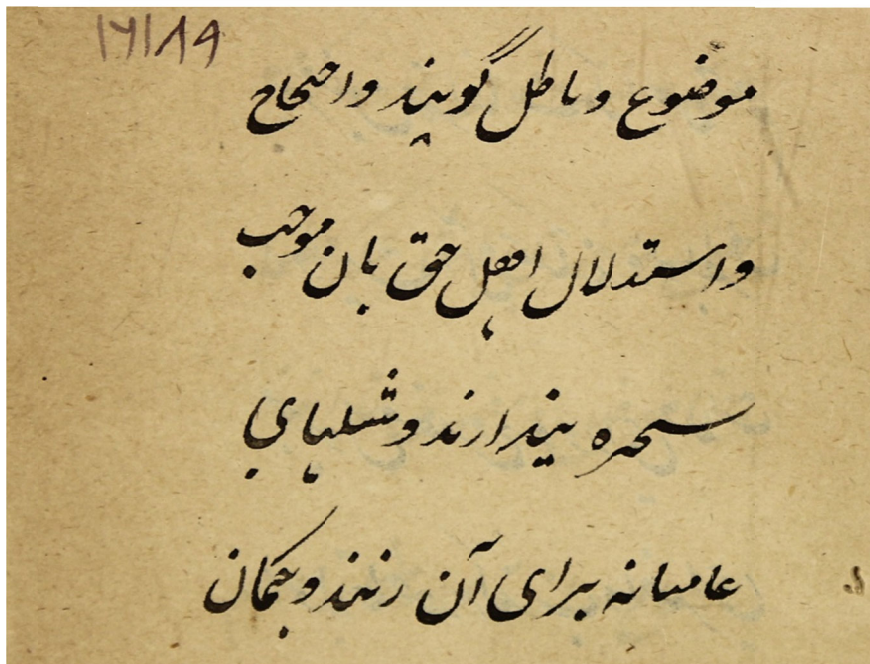


۲۹۲

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳



خوانش «شک‌های عامیانه بر آن زنند» در سطر ششم از تصویر متن چاپی از جمله خوانش‌های ناصحیح است که عبارتی نامفهوم از مؤلف را به مخاطب عرضه می‌کند.

حقیقت سخن آن است که صاحب تحفه در نقد حدیث «أنا مدينة العلم» پس از نقل ادعای وضع این حدیث، دانش علمای شیعه در استدلال به آن را سخره می‌گیرد و می‌نویسد: «تمسک به این احادیث موضوعه که اهل سنت آن را از دایره تمسک و احتجاج خارج کرده‌اند در مقام الزام ایشان، دلیل صریح است بر دانشمندی علمای شیعه»<sup>۱</sup>. وی سپس با مثالی عامیانه در صدد اثبات ادعای خود می‌نویسد: «و این بدان ماند که شخصی معرفت پیدا کند با نوکر شخصی که او را از نوکری برطرف کرده و تقصیرات او را دیده و خیانت او را معلوم نموده و از خانه خود برآورده، منادی در شهر گردانده که فلان نوکر را با من سروکاری نیست، من ذمه دار او نیستم و عهده معاملات او ندارم. این شخص ساده لوح این همه مراتب را دانسته، با آن نوکر معامله دین نمود و زر معامله از آن شخص درخواستن آغاز نهاد. این ساده لوح نزد عقلا در کمال مرتبه سفاهت خواهد بود»<sup>۲</sup>.

بنابراین ناقد بصیر در سطر یادشده از حدیث «علي مع الحق» با عبارت «مَثَل‌های عامیانه برای آن زنند» به همان مثال اشاره دارد و خوانش «شک‌های عامیانه بر آن زنند» چنان‌که در تصویر نسخه اساس نیز مشاهده می‌شود، نه تنها وجهی ندارد، بلکه با مشاهده ارجاع مؤلف به حدیث «أنا مدينة العلم» و پاسخ مؤلف در همان باب، قابل فهم بود.<sup>۳</sup>

۱. تحفه اثناعشریه: ورقة ۱۷۱.

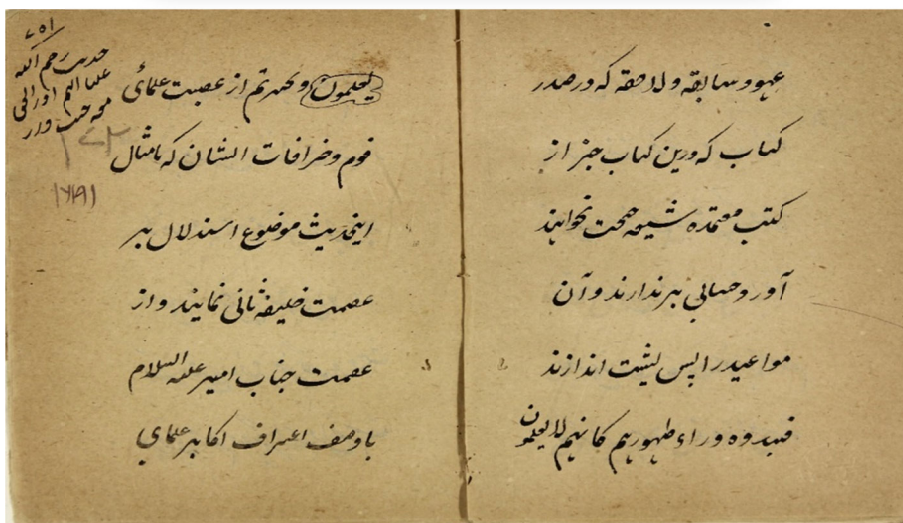
۲. همان.

۳. برای توضیح بیشتر، نک به: عبقات الأنوار (حدیث أنا مدينة العلم)، ص ۶۴۰-۶۴۱.

نمونه ۲: «صحبت نخواهند آورد» یا «حجت نخواهند آورد» و چند لغزش

۴۰۲ عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار عليه السلام / حدیث علی مع الحق

روایت آن نمی‌کند ولو بطریق مجهول مقدوح، و وری دلالت ادله قاطعه بر کذب و افترای آن، و مقدوح و مجروح بودن رجال آن به علمای ثقاتشان منکر دانند<sup>۱</sup>، و خوف دارند که موضوع و مفتری باشد<sup>۲</sup>، بلکه قطعاً و حتماً موضوع و مفتری دانند. احتجاج سازند، و در مقابله خصام به ذکر آن پردازند، و از [؟] عهود سابقه و لاحق که در صدر کتاب که در این کتاب غیر از کتب معتمد شیعه صحبت نخواهند آورد<sup>۳</sup> حسابی برندارند، و آن مواعید را پس پشت اندازند «فَتَبْذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ»<sup>۴</sup>. و متحیرم از عصبیت علمای قوم و خرافات ایشان که به امثال این حدیث موضوع استدلال بر عصمت خلیفه نانی نمایند و از عصمت جناب امیر علیه السلام با وصف اعتراف اکابر علمای قوم به دلالت حدیث اللهم أدر الحق مع بر عصمت آن حضرت<sup>۵</sup> سرباززند و بر خود پیچند؛ مولوی عبدالعلی<sup>۶</sup> در شرح مثنوی در اواخر



۲۹۴

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

در این نمونه از نسخه چاپی یک نقص و سه تصحیف و یک تحریف وجود دارد. نقص در استنساخ با علامت [؟] مشخص شده است و تصحیف نیز در سه فقره «غیر از»، «صحبت نخواهند آورد» و «متحیرم از عصبیت علمای قوم» رخ داده است که با نسخه اساس تناسبی ندارد. تحریف نیز در گزارش آیه است که در بخش سوم از عوامل تخریب درباره آن سخن خواهیم گفت.

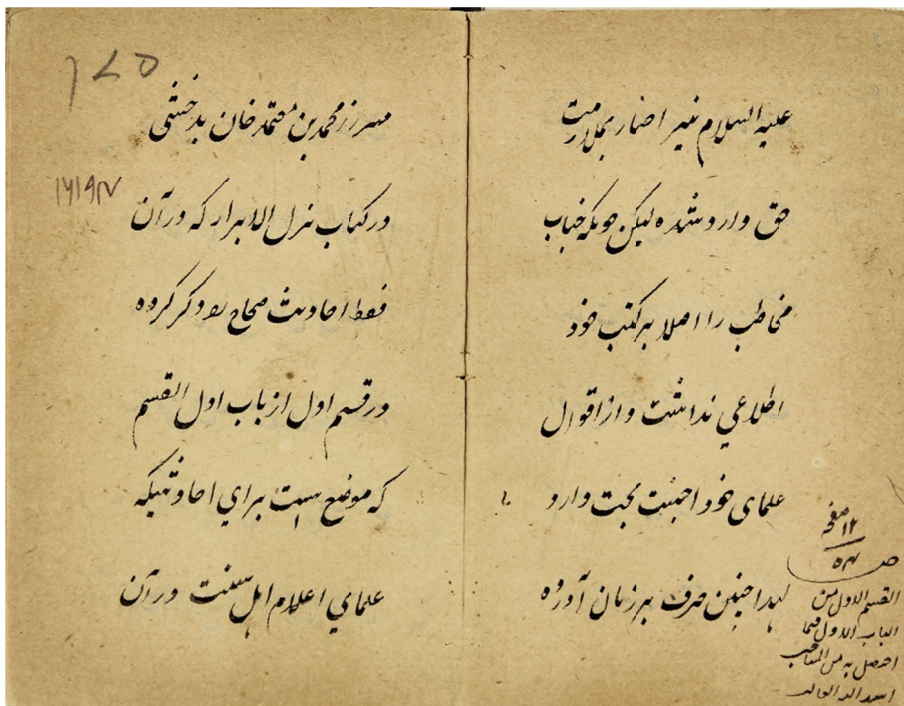
گفتنی است که روی سخن مؤلف در این بخش با صاحب تحفه درباره تمسک وی به روایت ساختگی «الحق بعدي مع عمر حیث کان» است. صاحب عبقات توضیح می‌دهد که این روایت از نظر شیعه دروغ و افترا بی‌بسیار نیست؛ از این رو بر دهلوی چنین خرده می‌گیرد که چرا به عهد خود در آغاز کتاب مبنی بر آنکه در مقابل شیعه تنها بر منابع خودشان استدلال خواهد کرد و از آثار ایشان حجت خواهد آورد،<sup>۱</sup> پایبند نیست؟! با این توضیح در موارد یادشده به ترتیب «ثلث عهد سابقه»، «جز از»، «حجت نخواهند آورد» و «به حیرتم از عصیبت علمای قوم» صحیح است و متن نسخه اساس چنین خوانده می‌شود:

«خود بر چنین خرافات که اصلاً خصم روایت آن نمی‌کند ولو بطریق مجهول مقدوح، و ورای دلالت ادله قاطعه بر کذب و افترای آن و مقدوح و مجروح بودن رجال آن به علمای ثقات شان منکر دانند، و خوف دارند که موضوع و مفتری باشد، بلکه قطعاً و حتماً موضوع و مفتری بدانند، احتجاج سازند و در مقابله خصام<sup>۲</sup> به ذکر آن پردازند و از ثلث عهد سابقه و لاحقیه که در صدر کتاب که درین کتاب جز از کتب معتمده شیعه حجت نخواهند آورد، حسابی برندارند و آن مواعید را پس پشت اندازند؛ "فَتَبَدَّوْهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ"<sup>۳</sup>، "[کتاب الله وراء ظُهُورِهِمْ] كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ"<sup>۴</sup> و به حیرتم از عصیبت علمای قوم و خرافات ایشان که به امثال این حدیث موضوع استدلال بر عصمت خلیفه ثانی نمایند و از عصمت جناب امیر علیه السلام با وصف اعتراف اکابر علمای قوم به دلالت حدیث "اللَّهُمَّ أَدِرِ الْحَقَّ مَعَهُ" بر عصمت آن حضرت سر باززنند و بر خود پیچند».

۱. تحفة اثنا عشریه: ورقة ۲۰۱.  
۲. خ: حصام.  
۳. آل عمران: ۱۸۶.  
۴. بقره: ۱۰۱.  
۵. دور «یعلمون» خط کشیده شده است.  
۶. خ: «عصبت علمائ».

نمونه ۳: «که موضوع است» یا «آن قسم که موضوع است»

میرزا محمد بن معتمدخان بدخشی در کتاب *نزل الأبرار* که در آن فقط احادیث صحاح را ذکر کرده، در قسم اول از باب اول که موضوع است برای احادیثی که علمای اعلام اهل سنت در آن اختلاف نکرده‌اند<sup>۲</sup>، گفته: «أخرج أبويعلى<sup>۳</sup>



۲۹۶

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

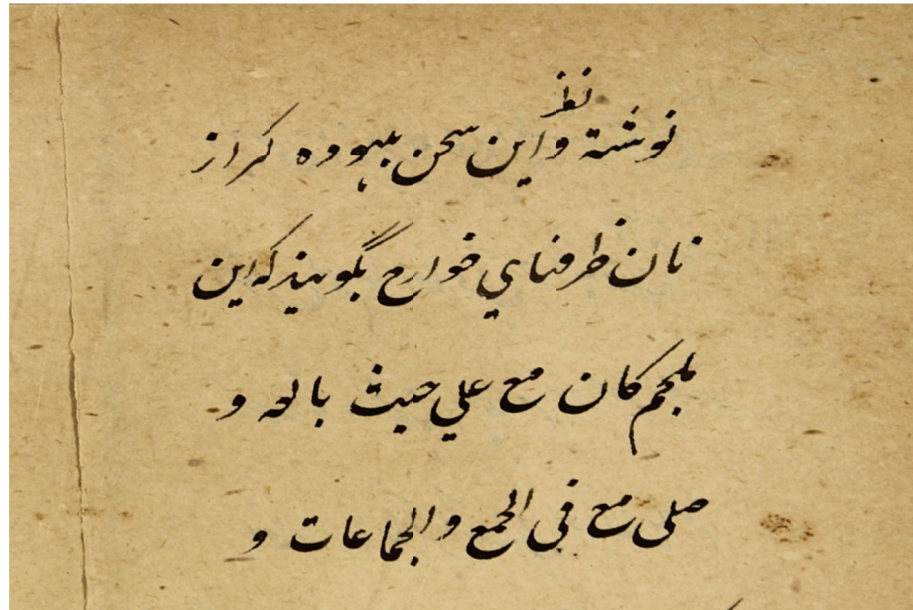
در این فقره کوتاه چاپی سه خطای عجیب رخ داده است؛ خطایی که نه تنها نسخه مخطوط را تصحیح نمی‌کند، بلکه متن نسبتاً پاکیزه را به تحریف و تخریب دچار نمود و در نهایت جمله‌ای ساختگی را به مؤلف نسبت داده است.

واژه «انقسام» در سطر چهارم از تصویر مخطوط، ترکیب چسبیده «آن قسم» است که مطابق رسم الخط مرسوم در زمان نگارش به صورت چسبیده و بدون نشانه مد (-) الف نوشته شده است. این ترکیب، بی دلیل و بدون هیچ اشاره‌ای حذف شده است و سپس

واژه «موضع» که به معنای «محل قرار گرفتن چیزی» است - گویا به دلیل عدم فهم درست نسخه اساس - به «موضوع» که معنایی کاملاً متفاوت دارد، تغییر یافته است. در سطر پایانی نیز واژه «اعلام» که به درستی توسط کاتب خط خورده، در متن ثبت شده است. مجموعه این تغییرات عجیب، معنایی نادرست را به خواننده منتقل می‌کند و کلام نویسنده را با تحریف روبرو کرده است. در حالی که متن صحیح چنین است: «میرزا محمد بن معتمدخان بدخشی در کتاب نزل الأبرار - که در آن فقط احادیث صحاح را ذکر کرده - در قسم اول از باب اول - آن قسم که موضع است برای احادیثی که علمای اهل سنت در آن اختلاف نکرده‌اند - گفته ...».

نمونه ۴: «آن است که اگر خوارج بگویند» یا «(آن است که) اگر <از زبان> ظرفای خوارج بگویند»

«مضمون سفاهت مشحون را ابن روزبهان در ابطال الباطل نوشته، و نظیر این سخن بیهوده آن است که اگر خوارج بگویند که: این ملجم کان مع علی حیث بایعه وصلی معه فی الجمع والجماعات وکان معه فی المسجد، پس قیاس مساوات درست می‌شود که الحق مع علی وعلی مع ابن ملجم، ینتج: الحق مع ابن ملجم. و



این بخش از متن گزارشی از کتاب البوارق الموبقة<sup>۱</sup> است. و فقره «آن است که اگر خوارج بگویند...» در متن چاپی، عبارتی ساختگی است که با نسخه اساس یکسره ناسازگار است و با مصدر نیز یکسان نیست. گویا مصحح ناتوانی در خوانش نسخه و عدم مراجعه دقیق به مصدر را مجوز دستبردی ناروا می‌داند و کلامی پرمغز را به طرز عجیبی تحریف کرده است.

کوتاه سخن آنکه صاحب تحفه در توجیهی علیل و غیروجیه در دلالت حدیث «علي مع الحق» می‌نویسد: «و بعضی از ظرفای اهل سنت در مقابله شیعه، به حدیث «أدر الحق معه حیثُ دارُ» تمسک نموده‌اند بر صحت خلافت ابوبکر و عمر؛ لأنَّ علیاً كان معهم حیثُ بايعهم ونابعهم وصلی معهم في الجمع والجماعات ونصحهم في أمور يتعلّق بریاستهم. پس قیاس مساوات درست می‌شود که: الحق مع علي وعلی مع أبي بكر وعمر...»<sup>۲</sup> از این رو صاحب بوارق، تیزبینانه در مقام طعن بر تحفه برآمده است و پاسخ خویش را با همان ادبیات تنظیر می‌کند. متن این پاسخ در نسخه اساس چنین گزارش شده است: «و نظیر این سخن بیهوده اگر از زبان ظرفای خوارج بگویند...» و در نسخه موجود از مصدر آمده است: «و نظیر این سخن بیهوده آن است که اگر ظرفای خوارج بگویند...». بنابراین متن چاپی، نه با نسخه اساس و نه با مصدر و نه با شیوه‌نامه تصحیح تطابق ندارد. هرچند نسخه مخطوط مشوش باشد، اما اشتباه در خوانش نسخه‌ای مشوش، مجوز دخالت و دستبرد در متن نیست، بلکه باید در پانویس به ناخوانا بودن نسخه یا وجود احتمالات گوناگون در واژگان متن اشاره شود. همچنین مطابق شیوه‌نامه، زیادی‌های متن عبقات بر مصدر و نیز زیادی‌های مصدر بر متن عبقات باید به ترتیب با علامت < و > مشخص شوند<sup>۳</sup> که در اینجا چنین نشده است.

## ۲-۲. تغییر رمزها

رمزگذاری نادرست یا تغییر رموز نسخه یکی از آفت‌های دیگر تصحیح حاضر است که نسخه اساس را تغییر داده است و در برخی موارد مخاطب را به خطا می‌برد. بی‌گمان

۱. این اثر از سلطان‌العلما سید محمد بن سید دلدار علی است که در نقد باب هفتم تحفه اثناعشریه نگاشته شده است.

۲. تحفه اثناعشریه: ورقه ۱۷۵.

۳. نک به نسخه چاپی، ص ۳۹.



بسیاری از رموز دارای نکات و فواید سودمندی است که بر اهل تحقیق پوشیده نیست؛ رمزها دارای معنایی خاص هستند و از شیوه یا سبک نگارش مؤلف حکایت می‌کنند؛ همچنین می‌توانند در کشف سبک‌های ادبی در یک منطقه یا در زمانی تاریخی یاری رسانند. به طور کلی تغییر رمزها یا غفلت و بی‌سلیقگی در ثبت درست آنها در تصحیح حدیث «علي مع الحق» در دو نمونه بررسی می‌شود؛ یکی تغییر رمز «اه» به «إلخ»، دیگری ثبت رمز حجری برای نسخه خطی اساس.

#### نمونه ۵: تغییر رمز «اه» به «إلخ»

رمز «اه» اختصار «إلی آخره» یا به نقلی مخفف «انتهی» است<sup>۱</sup> و در بسیاری از موارد در دو نسخه اساس و مصادر آن یکسان ثبت شده است؛ اما با کمال تعجب در نسخه مطبوع بدون هیچ توضیحی تصحیف شده و رمز «اه» به رمز «إلخ» تغییر یافته است؛ برای نمونه در صفحات ۴۳۲، ۴۳۳ و ۴۳۴ از نسخه چاپی مواردی همچون «قوله: و گاهی می‌گویند إلخ»، «قوله: زیرا که رسولان إلخ»، «قوله: و نیز تانی إلخ»، «قوله: گوئیم إلخ» چه در مصدر و چه در نسخه خطی «إلخ» ندارد، بلکه به جای آن رمز «اه» ثبت شده است.<sup>۲</sup> روشن نیست این تغییر و تصحیف چه وجهی دارد!

#### نمونه ۶: ثبت رمز حجری برای نسخه مخطوط

خطای رمزگذاری نسخه خطی «علي مع الحق» به نسخه حجری دیگر خطای رمزگذاری است. پیش‌تر اشاره شد که این نسخه مجموعه‌ای از سیاهه و فیش‌هایی است که به مرتبه چاپ نرسید؛ ولی در مقدمه تصحیح این نسخه یک بار به عنوان «مسوده، یادداشت‌های اولیه علامه میرحامد حسین» معرفی شده است<sup>۳</sup> و باری دیگر عنوان چاپ سنگی برای آن درج شده و رمز «ح» به معنای حجری برای آن ثبت گشته است؛<sup>۴</sup> عجیب‌تر آنکه این رمز نادرست در سرتاسر پانویشت متن چاپی رعایت شده است؛ از این رو این پرسش وجود دارد که چرا نسخه حدیث «علي مع الحق» به دو عنوان مسوده و چاپ سنگی معرفی شده است؟! و مخاطب بی‌خبر از نسخه به کدام یک باید اعتماد کند؟

۱. معجم الرموز العامة، ج ۲، ص ۱۹، ۵۰.

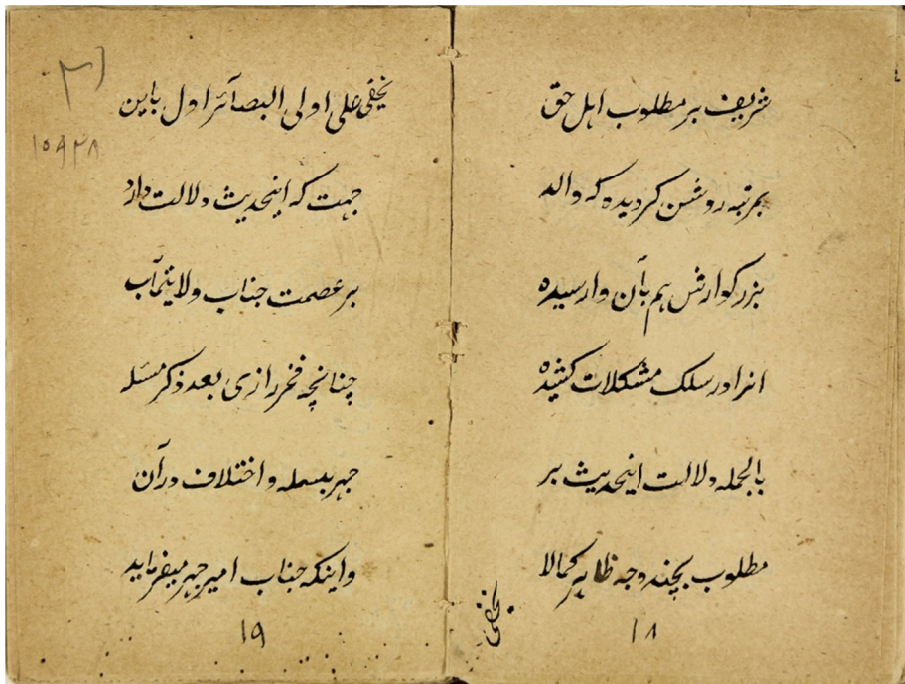
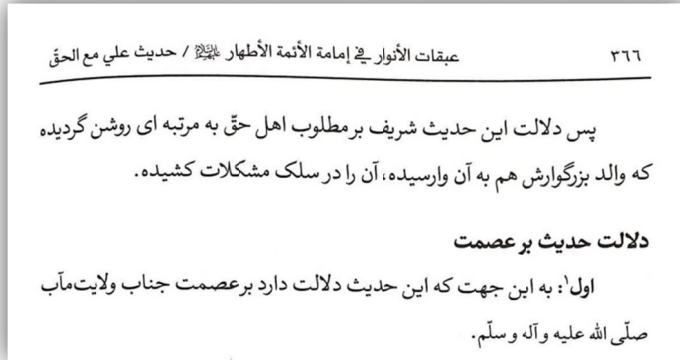
۲. به دلیل حجم زیاد از گزارش تصویری صرف نظر شده است.

۳. نک به: ص ۳۶.

۴. نک به: ص ۳۹.

## ۲-۳. حذف متن

نمونه ۷



۳۰۰

آینه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

چنان که پیش تر اشاره شد، شأن مصحح، گزارش صحیحی از یک اثر به مخاطب است و باید از هرگونه دست برد اعم از زیاده یا نقصان در متن تصحیحی پرهیز نماید؛ حتی اگر فقره‌ای از متن زیادی به نظر رسید، نباید به حذف خودسرانه آن اقدام کرد، بلکه در موارد

ضروری باید در پانویشت به فقره حذفی اشاره شود تا تغییرات از سوی مصحح مشخص شود یا غلط بودن زیادی به قدری آشکار و روشن باشد که نیاز به تذکر در پانویشت نیز نباشد.

از جمله تحریفات عجیب در متن چاپی، حذف بی دلیل برخی عبارات‌های نسخه اساس بدون هیچ اشاره‌ای در پانویشت است؛ به ویژه عبارات‌ها و فقرات صحیحی که وجود آن در فهم کلام نویسنده لازم است و اتفاقاً بخشی از متن کتاب است؛ برای نمونه در ص ۳۶۶ مطبوع - که در تصویر نیز آمده است - عبارت «بالجمله دلالت این حدیث بر مطلوب به چند وجه ظاهر، کما لایخفی علی أولی البصائر» به طور کامل حذف شده است و در پانویشت نیز علت حذف و تحریف بیان نشده است.

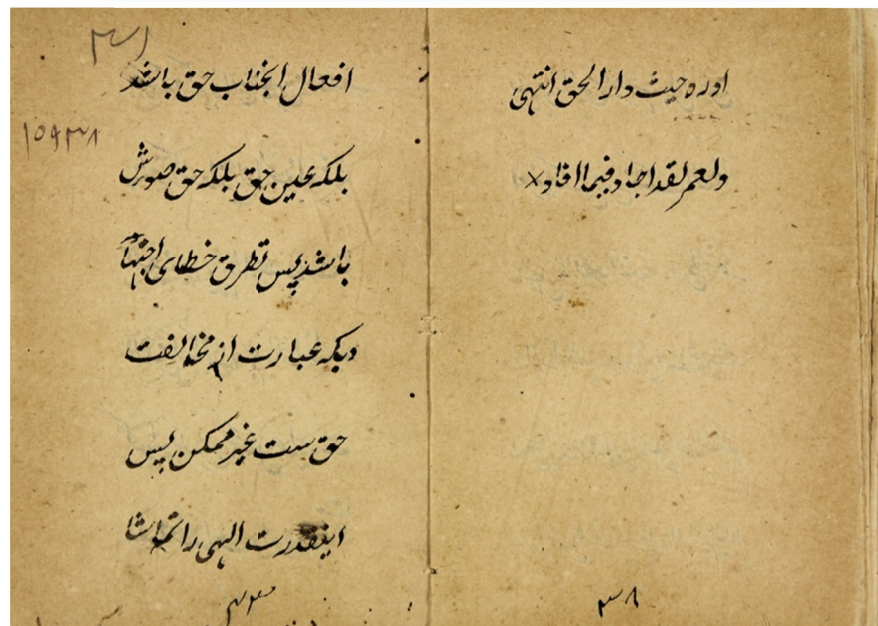
#### نمونه ۸

رسول الله (صلى الله عليه وسلم) حيث دعا الله تعالى لعلّي <رضي الله عنه>: اللهم أدر الحق  
معه حيث دار، ولم يقل أدره حيث دار الحق.<sup>۲</sup>  
ولعمري لقد أجاد فيما أفاد...<sup>۳</sup>

پس این قدرت الهی را تماشا باید کرد که چنین متعصب جاحد که در  
إزالة الخفاء و قرة العينين چها تعصبات نالایق که نگفته و چها خرافات که یاد

۳۰۱

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳



در تصویر نسخه اساس، پس از گزارش عبارتی از ولی الله دهلوی در التفهيمات الإلهية، بر دلالت حدیث «علي مع الحق» بر عصمت چنین آمده است: «ولعمر لقد اجاد فيما افاد»<sup>۱</sup>. سپس مؤلف گران قدر استدلال خود را تمام می‌کند و می‌نویسد: «افعال آن جناب حق باشد بلکه عین حق، بلکه حق ضوئش باشد. پس تطرق خطای اجتهادی که عبارت از مخالفت حق است، غیر ممکن» و در ادامه چنین می‌افزاید: «پس این قدرت الهی را تماشا باید کرد که چنین<sup>۲</sup> متعصب جاحد که در ازالة الخفاء و فرة العینین چه‌ها تعصبات نالایق که نگفته و چه‌ها خرافات که یاد نکرده! به کمال صراحت داد انصاف داده، به نهایت عصمت آن جناب تصریح کرده، به وضوح تمام بازگفته که تمام افعال آن جناب حق است، و از آن هم ترقی کرده، گفته که: نمی‌گوییم که آن مطابق حق است، بلکه آن حق است بعینه، بلکه حق امری است که منعکس می‌شود از این افاعیل مثل ضوء شمس...». اما چنان‌که در تصویر نسخه چاپی مشاهده می‌شود، فقره «افعال آن جناب حق باشد بلکه عین حق، بلکه حق ضوئش باشد. پس تطرق خطای اجتهادی که عبارت از مخالفت حق است، غیر ممکن»، به طور کامل حذف شده است.

بی‌گمان مصحح کلام مؤلف را ناقص دانسته است<sup>۳</sup> و گویا ارتباط این دو صفحه با یکدیگر را به درستی دریافت نکرده است؛ از این رو خطای خویش را وجهی برای تحریف و حذف متن قرار داده است، در حالی که هرگاه احتمال نقصان در عبارت یا سقط در کتابت وجود داشته باشد، مصحح می‌تواند با قلاب یا تذکر در پانویشت نقصان عبارت را تدارک کند، بدون آنکه کلام نویسنده را حذف نماید. در این فقره نیز بر فرض نقصان می‌توان عبارت را چنین احیا نمود: «[هرگاه تمام] افعال آن جناب حق باشد بلکه عین حق، بلکه حق ضوئش باشد. پس تطرق خطای اجتهادی که عبارت از مخالفت حق است، غیر ممکن...».

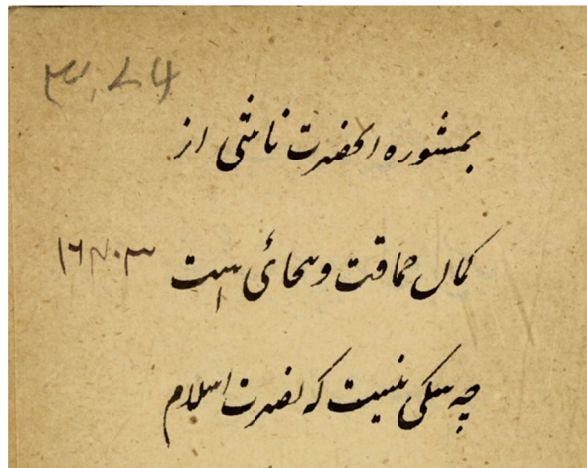
۱. عبارت مطابق نسخه اساس ثبت شده است.

۲. در نسخه اساس «چنان چنین» ثبت شده است.

۳. در پانویشت شماره ۳ از نسخه مطبوع - چنان‌که در تصویر شماره‌گذاری شده - آمده است: «قسمتی از کلام مؤلف رحمه الله تعالی موجود نیست»؛ از این رو روشن است که مصحح نسخه را ناقص دانسته است. با توضیحی که در متن آمده و نیز شواهد تصویر از جمله علامت «x» و خالی بودن ادامه صفحه، به نظر می‌رسد عبارت مؤلف تمام است و این پانویشت وجهی ندارد.

نمونه ۹

بر او اینکه استدلال به مشوره آن حضرت ناشی از کمال حماقت است؛ چه شکی نیست که نصرت اسلام و دفع (کفار) از مدینه طیبه که حرم آن حضرت و (مأمن) سایر مسلمین بوده، بر آن جناب و بر سایر مسلمین واجب بوده، و این مشوره نبود مگر



۳۵۳

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

ناتوانی در خوانش متن نه تنها متن قوی و مسجع را به عباراتی مغلوط یا نامفهوم تبدیل کرده است، بلکه در برخی موارد به حذف واژه‌ها نیز انجامیده است؛ چنان که در تصویر مشاهده می‌شود فقره «و بی حیایی» که خوانشی دقیق دارد، حذف شده است. بازسازی صحیح آن چنین است: «استدلال به مشوره آن حضرت ناشی از کمال حماقت <و بی حیایی> است»<sup>۱</sup>.

نمونه ۱۰

در نمونه چهارم از این نوشتار - چنان که پیش تر تصویر آن ثبت شد - حذفی آشکار در گزارش فقره «فَتَبَدَّوْهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» رخ داده است و فراز «كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ» بدون هیچ اشاره‌ای در پانویس حذف شده است. بی‌گمان آنچه در نسخه اساس ثبت شده است، گزارشی از آیات قرآن کریم است؛ ولی به طور دقیق مشخص نیست که آیا مؤلف با بهره‌گیری

۱. این عبارت گزارشی از البوارق الموبقة اثر سلطان العلماء است (نک به: البوارق الموبقة، ص ۳۱۳).

از واژگان و مضمونی قرآنی درصدد نقل به معناست و قصد ثبت آیه را ندارد یا خطایی در گزارش کریمه یا اشتباهی از ناسخ رخ داده و آیه به درستی نوشته نشده است؛ ولی در متن چاپی بدون توجه به این نکته، ادامه عبارت حذف شده است، درحالی که باید این تغییر در پانویس گزارش می شد یا با علامت گذاری در متن به این شکل بازسازی می شد: «فَتَبَدُّوه وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ»<sup>۱</sup>، «[کتاب الله وراء ظُهُورِهِمْ] كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup>.

## ۲-۴. افزودگی در عناوین و متن

اهمیت گزارش دقیق نسخه مخطوط و عدم افزودگی خودسرانه و بدون علامت در عنوان گذاری بر کسی پوشیده نیست. بی شک هر عنوانی که بدون علامت در نسخه چاپی یا تصحیحی اضافه می شود، منتسب به مؤلف خواهد بود؛ پس چنانچه گویای تمام اغراض نویسنده نباشد یا به هر دلیلی نارسا باشد، افزون بر اینکه گزارش نسخه را تحریف می کند، به اعتبار مؤلف نیز خدشه وارد می سازد. باری، این تحریف در سرتاسر نسخه چاپی به وفور یافت می شود که از ذکر تمامی آنها در این وجیزه صرف نظر شده است و تنها به پاره ای از آنها اشاره می شود.

۳۰۴

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

### نمونه ۱۱: «تازیانه زدن مردی که با زنی سخن می گفت»

دهلوی در بخشی از بررسی حدیث «علي مع الحق»، معارضاتی را در مقابل این حدیث مطرح کرده است؛ یکی از این معارضات، روایت ساختگی «الحق بعدي مع عمر» است. صاحب عبقات پاسخ و رد این معارضه را در چند وجه دنبال می کند که هیچ کدام از این وجوه عنوان ندارند؛ ولی در تصحیح اثر برای تمامی این وجوه - بدون هیچ گونه علامت و توضیحی - عنوان گذاری انجام داده است که در برخی موارد، عنوان افزوده شده چندان مناسب به نظر نمی رسد؛ از جمله عنوان «تازیانه زدن مردی که با زنی سخن می گفت» که در صفحه ۳۹۴ آمده است.

این قسمت درباره تازیانه زدن ناحق عمر به مردی است که با همسر خویش گفتگویی داشت؛ چراکه عمر گمان کرده بود او با نامحرمی ارتباط دارد. آن مرد نیز به عمر اعتراض

۱. آل عمران: ۱۸۶.

۲. بقره: ۱۰۱.

کرد: «إِثْمًا هِيَ امْرَأَتِي» تا بی‌گناهی خود را اعلام کند. این گزارش نشان می‌دهد روایت «الحق مع عمر» با نصوص تاریخی سازگار نیست.

در نسخه چاپی عنوان «تازیانه زدن مردی که با زنی سخن می‌گفت»، بدون علامت برای این قسمت از استدلال افزوده شده است؛ در حالی که این عنوان مجعول نه تنها گویای جرح خلیفه نیست، بلکه چه بسا بیان از اجرای احکام از سوی خلیفه است و مخاطب بی‌خبر از نسخه اساس این عنوان را از مؤلف می‌انگارد.

#### نمونه ۱۲: «امر به قتل نفس معصومه»

در صفحه ۳۹۴ عنوان «امر به قتل نفس معصومه» بدون هیچ علامتی افزوده شده است. این قسمت درباره قاتلی است که برخی از اولیای دم وی را بخشیده بودند، ولی عمر همچنان بر قصاص او پافشاری داشت.<sup>۱</sup> روشن است که چنین قاتلی هرچند از حکم قصاص رهایی یافته است، اطلاق عنوان «نفس معصومه» چندان مناسب او نیست و صرف نظر از درستی یا نادرستی عنوان، ثبت آن بدون علامت و در نتیجه انتساب آن به نسخه اساس پذیرفتنی نخواهد بود.

این‌گونه تحریف‌ها و افزودگی‌ها در اثر حاضر پرشمار است که شمارش همه آنها در این وجیزه نمی‌گنجد؛ برای مثال در صفحات ۳۶۶ تا ۳۷۱ و نیز در صفحه ۴۰۹ تمام عناوین از افزوده‌های تصحیح است. همچنین در صفحه ۳۹۸ عنوان «بغض مردی بدون جهت شرعی»، در صفحه ۳۹۹ عنوان «کلام سیدمرتضی در رد این حدیث»، در صفحه ۴۰۰ عنوان «تصریح به وضع حدیث»، در صفحه ۴۰۳ عنوان «جواب انشاء بودن روایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و اخبار بودن روایت عمر»، در صفحه ۴۰۳ عنوان «ورود روایت به صیغه اخبار» همگی افزودگی‌های بدون علامت از مصحح است.

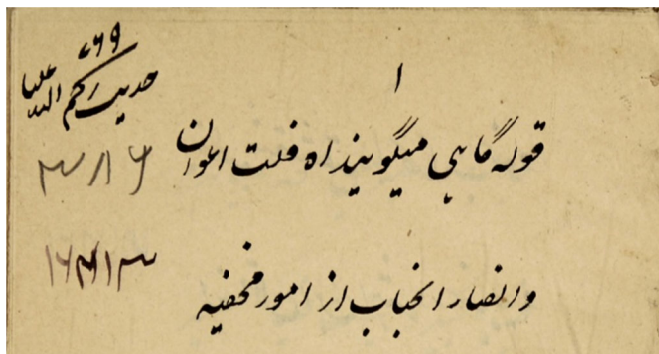
#### نمونه ۱۳: «قوله: گاهی می‌گویند که این همه متابعت إلیخ. أقول:»

افزودگی به متن در مواردی که نسخه افتادگی داشته یا ناقص باشد، امری پذیرفته و قابل قبول است؛ زیرا چه بسا بدون آن متن نامفهوم خواهد بود، ولی افزوده‌های تصحیح نباید

۱. در متن این گزارش آمده است: «روی أنّ عمر أتى برجل قد قتل عمداً فأمر بقتله، فعفى بعض أولياء المقتول فأمر بقتله...».

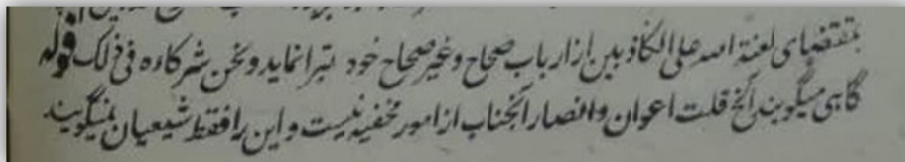
با متن اساس خلط شود یا به نسخه مخطوط نسبت داده شود، بلکه زیادی‌های تصحیح باید با علامت‌گذاری مانند قلاب [ ] مشخص گردد. در تصویر و توضیح زیر نمونه‌ای از افزودگی در متن مشاهده می‌شود:

قوله:  
گاهی می‌گویند که این همه متابعت الخ.  
أقول:  
قلّت اعوان و انصار آن جناب از امور مخفیة نیست، و این را فقط شیعیان



۳۰۶

آینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳



تصویر نسخه مصدر (البوارق المویقة، ص ۳۱۴)

فقرة «قوله: گاهی می‌گویند که این همه متابعت الخ. أقول: قلّت اعوان و انصار آن جناب از امور مخفیة نیست» در نسخه چاپی، نه تنها با نسخه مخطوط سازگار نیست، بلکه با نسخه مصدر نیز همخوانی ندارد؛ از این رو با توجه به تصویر نسخه، دستبرد مصحح در متن آشکار می‌شود.

فقرة حاضر گزارشی از کتاب البوارق المویقة است. نویسنده بوارق نخست فقرة‌ای از عبارت تحفه را با واژه «قوله» مشخص می‌کند و سپس با عبارت «قلّت اعوان و انصار...» در مقام

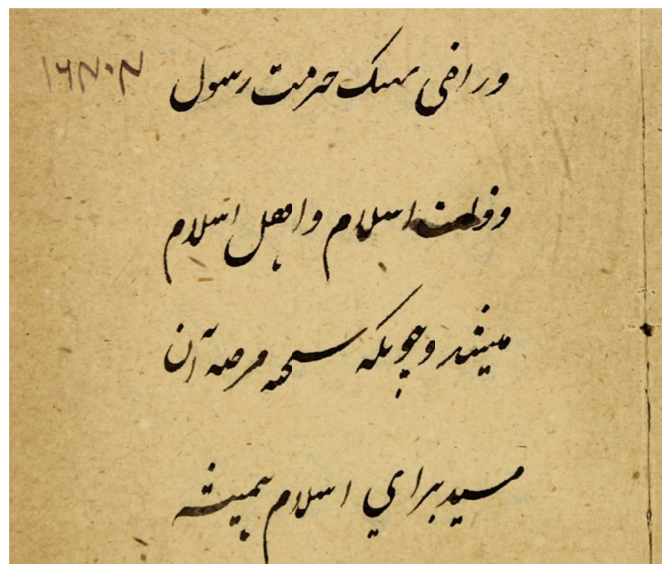


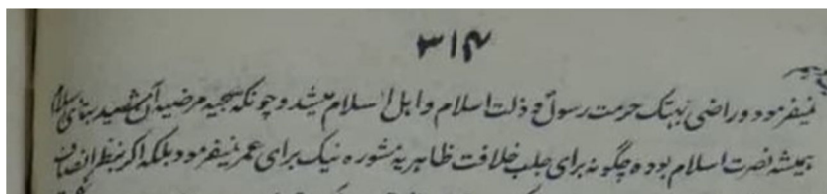
پاسخگویی برآمده است. این متن در نسخه مخطوط عبقات - چنان که در تصویر مشخص است - چنین گزارش شده است: «قوله: گاهی می‌گویند اه. قلت اعوان و انصار...» و در مصدر - یعنی کتاب بوارق - آمده است: «قوله: گاهی می‌گویند الخ. قلت اعوان و انصار...». اما در نسخه چاپی هیچ‌کدام از مخطوط و مصدر پیروی نشده است، بلکه مصحح خودسرانه به تکمیل عبارت تحفه پرداخته است و امانت‌داری صاحب عبقات در گزارش متن بوارق را نیز نادیده انگاشته است. هرچند نمی‌توان افزوده مصحح از تحفه را بی‌فایده دانست، اما افزوده بدون علامت که به مؤلف منتسب می‌شود و نیز تصرف در دو نسخه مخطوط و مصدر بدون گزارش در پانویست توجیه‌پذیر نیست؛ بلکه افزون بر تحریف به زیاده، امانت‌داری مؤلف در نقل از مصدر را نیز نقض کرده است.

## ۵-۲. خطای در مقابله

نمونه ۱۴: «سجیه مرضیه آن سید برای اسلام» یا «سجیه مرضیه آن مشید بنای اسلام»

و چون که سجیه مرضیه آن سید برای اسلام همیشه نصرت اسلام بوده، چگونه برای جلب خلافت ظاهریه مشوره نیک برای عمر نمی‌فرمود؟! بلکه اگر به نظر انصاف ببیند، این کار مکاران و دنیا داران است، لکن چون محض بنا بر قربت الهی و ترویج



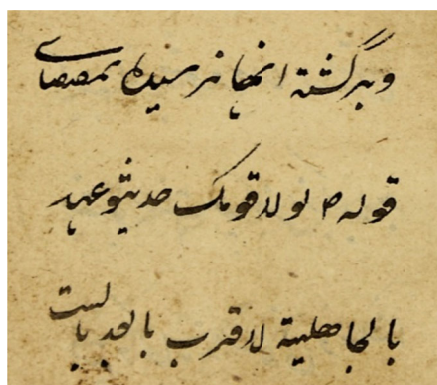


تصویر نسخه مصدر (البوارق الموبقة، ص ۳۱۴)

فراز «سجیه مرضیه آن سید برای اسلام» ادامه گزارش متن البوارق الموبقه اثر سلطان العلماء است که در نسخه اساس با مسامحه و خطا نگارش شده است و متن دقیق آن در مصدر، عبارت است از: «سجیه مرضیه آن مشید بنای اسلام». این فراز، وصفی زیبا و نشری گویا و پرمغز درباره حضرت امیرالمؤمنین (ع) است که در نسخه چاپی به متنی ضعیف و سست تغییر یافته است. این اشتباه بیان کننده نداشتن دقت در مقابله با مصدر است و با ادعای مصحح در مقدمه تصحیح مبنی بر دقت در مقابله<sup>۱</sup> نیز ناسازگار است.

نمونه ۱۵: «به مقتضای حدیث: لولا قومك حدیثو عهد بالجاهلیة»، یا «به مقتضای قوله ص: لولا قومك حدیثو عهد بالجاهلیة...»

تکلیف جهاد می داد، و در زمان رواج ایمان و اسلام و هنگامی که دین تمام شد، از قوم عائشه و برگشته (شدن) آن‌ها ترسیده به مقتضای حدیث<sup>۲</sup>: لولا قومك حدیثو عهد بالجاهلیة، لأمرت بالبیة أن یهدم<sup>۳</sup>، جبن و خوف و بزدلی نماید و تجویز فتنه و فساد



فقره «به مقتضای حدیث: لولا قومك حدیثو عهد بالجاهلیة...» در متن نسخه چاپی، با هیچ‌کدام از دو نسخه اساس و مصدر آن سازگاری ندارد، بلکه در هر دو آمده است: «به مقتضای قوله: لولا قومك حدیثو عهد بالجاهلیة...»؛ از این رو وجه تصرف در واژه «قوله» و تبدیل آن به «حدیث» روشن نیست. هرچند در پانویست واژه «قوله» از مصدر گزارش شده است، اما این گزارش چنین می‌نمایاند که واژه ثبت شده در متن مطابق نسخه اساس است، در حالی که چنین نیست.

### ۳. ویرایش ناصواب

#### نمونه ۱۶: یکدست نبودن فاصله‌ها

۲. مرحوم سید ابن طاووس اعلی الله مقامه در کتاب الطوائف در مقام دفع این شبهه، این مطلب را فرموده‌اند. ایشان در آن چه به فرزندشان نوشته‌اند می‌فرماید: «فكان هذا الارتداد يا ولدي محمداً! من جملة موانع أبيك أمير المؤمنين عليه السلام من منازعة أبي بكر وعمر، و من رغب في نيل الدنيا بطريقهما ممن يرجوا أن يحصل له منهما إذا حصل لهما ولاية من الحطام ما لا يرجوا بولاية أبيك علي عليه السلام؛ لأنهم عرفوا منه صلى الله عليه وآله أنه لا يعمل بغير الحق الذي لاتصبر عليه النفوس. فلو أن أباك أمير المؤمنين عليه السلام نازع أبا بكر منازعة المغالبة والمقاهرة، لأدّى ذلك إلى أن يصير أهل المدينة حرباً وأهل الردة ظاهرة، و كان أهل مكة الذي ذكر أنهم ما ارتدوا و قد أسلموا لما هجم النبي صلى الله عليه وآله بالعساكر التي عجزوا عنها و ملكهم قهراً و بغتة على صفة ما كانوا يقدرون على التخلص منها، فكان إسلامهم إسلام مقهور، فمتى وجدوا من يساعدهم على زوال القهر عنهم ما يؤمن من ارتدادهم عمّا قهروا عليه من الإسلام المذكور.

فما كان بقي على ما ذكر المروزي و غيره ممن ارتد من سائر أهل تلك البلاد إلا الطائف، و أعي مقدار للطائف مع ارتداد سائر الطوائف؟! فلو لا تسكين أبيك أمير المؤمنين عليه السلام لذلك البغي والعدوان بترك المحاربة لأبي بكر، و مساعدته لأهل المدينة على الذين ارتدوا على الإسلام و الإيمان و إطفاء تلك النيران، كان قد ذهب ذلك الوقت الإسلام بالكلية أو كاد يذهب ما يمكن ذهابه منه بتلك الاختلافات الرديئة».

كشف المحجة لثمره المهجّة: ۱۲۴.

ویرایش یکدست و یکنواخت از اصول مهم نگارش است. البته در این باره سهو و خطا در تمام اثر - به دلیل نداشتن اشراف به تمام واژگان - سهم بسیار بالایی دارد؛ ولی تکرار شمار بالای اشتباه در یک صفحه نشان دهنده کم دقتی در ویراستاری است؛ برای نمونه در تصویر

پانوشت صفحه ۳۶۱ از متن چاپی - چنان که مشاهده می شود - «او» عربی جدا از واژه پسین ثبت شده است، در حالی که در صفحه پیشین آن و صفحات دیگر به واژه بعدش چسبیده است. همچنین در ثبت «لا»ی نافیه در سطر چهارم و پنجم یک بار با فاصله (مالایرجوا) و بار دیگر چسبیده (لايعمل، لاتصبر) ثبت شده است. گفتنی است یکسان نبودن ویرایش به این مورد اختصاص ندارد، بلکه در جای جای متن چاپی مشاهده می شود.

#### نمونه ۱۷: «کارروایی» یا «کارروایی»

و نیز چون حضرت امیر از جانب خدا به تأی مأمور شد، و اصلاً اظهار دعوی امامت نکرد، مکلفین در ترک متابعت او معذور خواهند بود، و اگر بنا بر حفظ دین و دنیای خود، (و) کارروایی مهمات خود، در این مدت دیگری را نصب نمایند، محل عتاب و عقاب نخواهند بود؛ «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۲</sup>.

در فقره «و اگر بنا بر حفظ دین و دنیای خود (و) کارروایی مهمات خود...» واژه ترکیبی «کارروایی» با فاصله ثبت شده است؛ جدایی دو واژه «کار» و «روایی» با توجه به معنای مستقلی که برای هر کدام وجود دارد، همان معنای مستقل را به مخاطب القا می کند، در حالی که مؤلف واژه «کارروایی» به معنای تدبیر کار، کارسازی و سودمندی<sup>۱</sup> را اراده نموده است، چنان که در لغت نامه ها نیز ثبت شده است و این واژه بدون فاصله درج می شود.

#### نمونه ۱۸: «نادار تصریح صریح و قطع و ختم» یا «ناچار تصریح صریح و قطع و ختم»

##### ۳. تصریح به وضع حدیث

و اگر بر این همه دلایل صریحه و براهین قطعیّه کذب و افترای این حدیث موضوع دل ندهند و جرح و قدح روات آن را به سمع اصغا نشنوند، و از خوف ذهبی که این حدیث کذب و مختلق باشد<sup>۲</sup> هم نترسند، نادار تصریح صریح و قطع و ختم و جزم اهل سنت به وضع این خرافت - بحمد الله - اثبات کنیم، و قفل سکوت و صموت بر لب های هرزه درای متعصبین زنم.

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۷۹۶۸ (کارروا).

واژگان مهمل در عبارت «نادار تصریح صریح و قطع و ختم و جزم» یکی دیگر از خطاهای ویرایشی و تقویمی است. هرچند احتمال لغزش در تایپ واژه «نادار» بعید نیست، ولی واژه «ختم» اشتباهی آشکار در تقویم نص است. اگرچه این واژه در نسخه مخطوط نیز «ختم» ثبت شده است که با توجه به قرینه سیاق خطای آن قابل شناسایی است. بنابراین با توجه به نسخه مخطوط و قرینه سیاق، بازسازی متن چنین است: «ناچار تصریح صریح، و قطع و ختم و جزم اهل سنت به وضع این خرافت - بحمد الله - اثبات کنم».

### نمونه‌هایی دیگر از خطاهای تصحیح

متن چاپی - بدون مراجعه به نسخه اساس یا مصدر آن - به تنهایی گویای بسیاری از لغزش‌های ویرایشی تصحیح و برخی موارد تقویم نص است؛ لغزش‌هایی همچون جابجایی تشدیدها در مثل «ابن عباس» و «أنك» در صفحه ۴۲۶، ثبت همزه وصل در برخی موارد مانند «بالاجتماع» در صفحه ۳۵۷، ویرایش ناصحیح حرف «ياء» در متن عربی مانند «یعنی علیاً» در صفحه ۴۰۷، یا ثبت اشتباه حروف مانند واژه «حمیع» به جای «جمیع» در صفحه ۴۱۵ و مواردی دیگر از این قبیل که ذکر تمامی آنها در این نوشتار چندان ضرورت ندارد. اما ممکن است پاره‌ای از خطاها و تغییرها بدون بررسی نسخه اساس و مصادر آن چندان روشن نباشد؛ از این رو برای آشنایی بیشتر با متن چاپی و سنجش میزان اعتماد به آن، یادآوری نمونه‌هایی دیگر لازم است:

شماره صفحه	متن چاپی	صحیح	توضیحات
۳۵۹	و به روایات موضوعه افتراضیه چندی از کذابین <از> گمان مخالفت و منافقت فیما بین می‌نمایند.	و به روایات موضوعه افتراضیه چندی از کذابین، گمان مخالفت و منافقت فیما بین می‌نمایند.	خ: «چندی کذابین از». آنچه در صحیح ثبت شده، از «م» است. جای «از» در نسخه خطی و مصدر متفاوت است. ولی در متن چاپی بین دو نسخه خلط شده و واژه «از» تکرار شده است.
۳۶۵	پانوشت ۱ م: «با»	بالخلافت	در مصدر واژه «بالخلافت» ثبت شده است و نسخه اساس «به خلافت» است. ولی در متن چاپی نسخه مصدر «با خلافت» گزارش شده است.
۳۶۹	گواز	گواز	در نسخه خطی «گواز» ثبت شده است.
۳۷۰	چها	چه‌ها	در نسخه خطی «چها» ثبت شده است که نیازمند اصلاح است

شماره صفحه	متن چاپی	صحیح	توضیحات
۳۸۹	از جا برخواست	از جا برخاست	«برخواست» به معنای بلند شدن و «خواست» به معنای طلب کردن است. خ: «برخواست»
۳۹۹	بر [؟] مخفی و مستور نیست	بر اهل سنت مخفی و مستور نیست	
۴۱۲	«یوم» به جای: «الأضحی».	«یوم» به جای: «لحوم».	به پانوش ۴ مراجعه شود. که بر روی «لحوم» در عبارت «ونهیتم عن لحوم الأضاحی» ثبت شده است.
۴۱۳	بوی	بویی	
۴۱۹	حتی بایعه علی. این حدیث صحاح سنین صریح است...	حتی بایعه علی. سبحان الله! این حدیث صحاح سنین صریح است...	
۴۲۰	ابن خرابه	ابن خنزابه	این واژه درخ بدون نقطه و در م «ابن خرابه» ثبت شده است اما تقویم نص نشده است.
۴۲۲	محکوم به <رضا> و ایمان	محکوم به <رضا و> ایمان	
۴۲۴	یک تعلق دارد به حق امام	یکی آنچه تعلق دارد به حق امام	
۴۲۵	مظلّمه آن برگردنهای آنها باشد	مظلّمه آن برگردنهای (آنها) باشد	
۴۲۵	در بعضی اوقات بنا بر امر خلفا حدّ جاری فرموده	در بعضی اوقات بنا بر امر امر خلفا، حدّ جاری فرموده	
۴۲۸	برانگاریم	برنگاریم	
۴۳۰	بر روی خلاف پناه با پوشها زده بود	بر روی خلافت پناه پوشها زده بود.	
۴۳۰	حدت مزاجی و حرارت مزاجی	حدت مزاجی و حرارت دین	
۴۳۱	شجاع بطحا که بعضی اهل سنت	شجاع بطحا که بعضی (از) اهل سنت	
۴۳۱	و حاشا (وکلا)	<و> حاشا (وکلا)	
۴۳۲	تأسی و اقتدا به بعضی افعال آقا	تأسی و اقتدا به بعضی (از) افعال آقا	
۴۳۴	هیچ قضیه را بر خود راه مده	هیچ قضیه را نزد خود راه مده	م: «روبرو» به جای «نزد» خ: «آمد نشانه ده» به جای: «راه مده».

## جمع بندی

ساده‌انگاری در خوانش نسخه و تقویم نشدن نص، دستبرد و حذف بندها و واژه‌ها، افزودگی خودسرانه بدون نشانه یا توضیح در پانویس و به طور کلی مسامحه در امانت‌داری، از جمله آسیب‌های تصحیح حدیث «علي مع الحق» از موسوعه فخیم عبقات الأنوار است که این اثر ارزنده و گرانمایه را تصحیف و تحریف نموده است. هرچند کوشش بانیان این تصحیح برای نشر اثر قابل قدردانی است؛ اما اگر این کوشش‌ها با دقت و مهارت لازم همراه نباشد، چه بسا فرجامی باژگونه خواهد داشت و اثری ارزشمند را سست و ضعیف خواهد کرد. همچنین روشن است که هر اثر نوشتاری بیان‌کننده روش نویسنده یا شیوه مرسوم نگارش در زمان تألیف، ادبیات و نشانه‌های رایج و دیگر آثار تاریخی و ادبی است؛ از این رو برخی دست‌اندازی‌ها در متن به این بخش نیز آسیب وارد کرده است.

نقد‌های این اثر با توجه به حجم اندک حدود هشتاد صفحه‌ای<sup>۱</sup> پرشمار است و نمی‌توان این اثر را تصحیحی قابل دفاع عرضه نمود. تأکید می‌شود که نسخه چاپی ناقص و گزینشی است و تمام نسخه‌های اساس را دربر نمی‌گیرد؛ همچنین افزون بر نسخه‌های اساس، پوشه‌ای دیگر نیز به‌تازگی یافت شده است؛ از این رو سزاوار است این اثر باری دیگر با تصحیحی مناسب به جامعه علمی عرضه شود. در پایان یادآوری می‌شود که نقد و بررسی حاضر گامی برای رشد بنیه‌های پژوهشی و جلوگیری از نشرهای مضر و مخرب است و امید است بتواند در پیشگیری از اتفاقاتی مشابه سودمند باشد و به پژوهشگرانی که امر تصحیح را دنبال می‌کنند یاری رساند.

۳۱۳

آبینه پژوهش | ۲۱۰  
سال ۳۵ | شماره ۶  
بهمن و اسفند ۱۴۰۳

۱. گفتنی است حروف چینی و صفحه‌آرایی این اثر نیز چندان متعارف نیست، بلکه صفحات سفید و حاشیه‌ها زیاد است و فونت واژگان و فاصله بین خطوط نیز بیشتر از چاپ‌های مرسوم است؛ از این رو شمار صفحات اثر می‌توانست بسیار کمتر از این مقدار باشد.

## کتاب نامه

- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ طبقات أعلام الشيعة؛ بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۱۴۳۰ق.
- امین عاملی، سید محسن؛ أعيان الشيعة؛ تحقیق: حسن الأمين؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- امینی، عبدالحسین؛ الغدير في الكتاب والسنة والأدب؛ قم: مؤسسة دائرة المعارف الفقه الإسلامي، ۱۴۳۶ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی؛ ج ۲، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- دهلوی، عبدالعزیز (م ۱۲۳۹ق)؛ تحفة اثناعشریه؛ چاپ حروفی ۱۲۱۵ق، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، به شماره ۲۲۱۲۸.
- سلطان العلماء، سید محمد بن سید دلدار علی؛ البوارق الموبقة؛ چاپ سنگی مطبع مجمع البحرين، لودهیانه.
- مامقانی، محمدرضا؛ معجم الرموز العامة؛ کربلا: مکتبه ودار مخطوطات العتبة العباسية المقدسة، ۱۴۴۳ق.
- موسوی لکهنوی، سید حامد حسین؛ عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار (حدیث مدینه العلم)؛ چاپ سنگی مطبعة مطلع الأنوار، ۱۳۱۷ق.